

رشد شخصیت کودک

از يك كودك هم می توان سلمان فارسی و ابوذر ساخت و هم چنگیز
آدمکش و هیتلر و موسولینی!

كودك ؛ برای رشد کامل و متعادل شخصیت خود نیازمند
محبت و تفاهم است و تا آنجا که ممکن است باید تحت
مراقبت و مسؤلیت پدر و مادر خود و در هر حال در محیطی
پر مهر و محبت و با تأمین اخلاقی و مادی پرورش یابد . . .
(از اصل ششم اعلامیه حقوق كودك)

به طور اجمال می توان گفت مقصود از شخصیت
همان است که شخص خود را با لفظ «من» و دیگری
را با کلمه «تو» و سومی را با کلمه «او» می خواند،
از خود و دیگران با این الفاظ یاد می کند، آنچه
را که این الفاظ از آن حکایت می کنند همان شخص
است که فعلاً مورد بحث و گفتگوی ما است .
هر فردی در روابط خویش با مردم و در کارهای
شخصی خود دارای روش و سلیقه ای است که
سودمند و یا زیانبخش می باشد يك چنین روشها
سرچشمه ای جز شخصیت انسان و روحیه های مخصوص

پاره ای از مفاهیم ، به اصطلاح ، سهل و ممتنع
هستند . باین معنی در عین این که مفهوم ابتدائی آن
برای همه روشن است ولی درك حقیقت آن برای نوع
مردم مبهم و پیچیده می باشد .
یکی از آنها مفهوم «شخصیت» است . از يك
سو می بینیم این کلمه چنان در میان مردم معمول و
متعارف است که در نظر بدوی فکری کنیم معنای آن
برای هیچ کس مجهول نیست . اما از سوی دیگر
هنگامی که می خواهیم درباره آن به مطالعه پرداخته
یا شناختی دقیق درباره اصلاح و تکامل آن چاره ای
بیندیشیم ، می بینیم خیلی هم روشن نیست .

اوندارد .

در حقیقت منشأ کارها و خلق و خواهی مختلف اعم از نیک و بد همان «شخصی» است که گاه مسؤل و سزاوار کیفر شناخته می شود و گاه سزاوار پاداش . کارها و خلق و خواهی مختلف شخص ، موطن به راه و روشی است که وی در زندگی برای خود برگزیده و به آنها عادت کرده است .

پس شخصیت هر کسی عبارت است از «او» و رویه ای که به آن عادت کرده و کارآمدهایی که بدست آورده است . از همینجا تفاوت شخصیت ها روشن می شود. می گوئیم : شخصیت دینی، شخصیت سیاسی ، شخصیت علمی، شخصیت اجتماعی و ...
آیا کودک نوزاد ، شخصیتی دارد یا ندارد ؟ این سؤال درخور تأمل است .

عوامل بسیاری در پی ریزی شخصیت کودک ، مؤثرند. خانواده، مدرسه ، محیط خارج و بسیاری از عواملی که در همین مثلث با او مربوط می شوند ، شخصیت او را پی ریزی میکنند ، نباید غفلت کنیم که انسان صرف نظر از این ها خود موجودی است مختار و بنا بر این اراده و میل خود او نیز در تشکیل شخصیت وی بیش از هر عامل دیگری مؤثر است .

می توان گفت : کودک هم برای خود شخصیتی - ولومبهم - دارد . مگر نه بعضی از کودکان آرام و بشاش و بانشاط و خندانند و بعضی دیگر آشوبگرو پرسرو صدا و کسم حوصله اند ؟ ! اینها چه معمول وراثت باشند و چه معلول ساختمان جسمی و چه معلول محیط خانه و زندگی ، غالباً پایه و اساس شخصیت کودک در مراحل بعدی خواهند شد . مگر

اینکه عواملی دیگر - مخصوصاً اراده شخص - تغییرش دهند یا درجهت بهبود یا درجهت فساد ! این را هم باید بدانیم که کودک نوزاد دارای

همه نوع استعدادی است. از نیک کودک هم می توان

سلمان فارسی و ابوذر ساخت و هم چنگیز

آدمکش و هیتلر و موسولینی ! بابه

تعبیر دقیقتر نیک کودک می تواند سمبول همه کمالات

گردد یا سمبول همه نقائص و پلیدیها یا اقل ینابین !

اوروزی که قدم بعرضه این جهان می نهد ، آدم

خوبی است نه آدم بدی ، نه تعریف دارد نه تکذیب

نه مؤمن است نه کافر . همچون قطعه آهنی است که

ممکن است گلوله ای شود بر قلب یک انسان راستین

و فداکار ! یا ذوالفقاری شود در دست بگانه آزاد-

مرد جهان علی (ع)

قرآن مجید می گوید: «و نفس و ماسواها

فالهما فجورها و تقواها» (سوره شمس آیه

۷ و ۸) سوگند به روان انسان که آفریدگار بزرگ ،

استعداد نیکی ها و بدیها را در وجود او بودیعت

سپرد ، تا خود براه نیکی قدم نهاد یا براه بدی .

جالب این است که تا آخر عمر نیز قلمرو وجود

آدمی ، صحنه کشمکش قوایی است که او را به نیکی

و بدی فرا میخوانند و این شخصیت پی ریزی شده

اوست که بحکم برداشتهایی که از زندگی دارد و

خط مشیی که برای خود برگزیده است ، مسیری

انتخاب کرده ، یا «شاگرد» می شود، یا «کفور»!

علی (ع) فرمود: «الشرکامن فی طبعه کل

احد فان غلبه صاحبه بطن وان لم یغلبه

ظهر» (فهرست غرر ص ۱۲۷) بدی در طبیعت

فرمود :

— چرا شما رشد نیافته و براه صحیح هدایت نشده‌اید؟! آیا برای چنین کار کوچکی من باید باشما حرکت کنم؟! این کاری است که یکی از مردان شما از عهدۀ آن بر می‌آید. ولی من باید به قوۀ دفاعی مملکت و امور کشور و خزانه و کشاورزی و قضائی و حقوقی که کارهای مهمتری است رسیدگی کنم. (۲)

دکتر آلکسیس کارل می‌گوید: «رای عمومی ناشی از عقیده به تساوی افراد است. در حالی که این عقیده جز نوعی تفنن فکری، نیست. زیرا شباهت دو فردیهم از این نظر است که هر دو انسانند نه آنکه یکی شمشیرزه یا ژیبون است.

باید پرسید: آیا هر مخلوقی که از آمیزش يك مرد و يك زن بوجود آید شخصیت آدمی دارد؟ آیا يك مونستر بی‌مخ نیز يك فرد آدمی است؟ آیا می‌توانیم ابلیهی را که فعالیت فکریش خیلی کمتر از سگ است، انسان بنامیم؟ اشتباه حقیقت، ما را به آنجا کشانده است که برای همه امتیازات مساوی قائل شویم... بسیارند افرادی که سن روانی آنها از ده سال نمیگذرد. اکثریت مردم هیچگاه بکمال رشد فکری نمی‌رسند. مع هذا این اکثریت است که صدای خود

هر کسی نهان است. اگر شخص بر طبیعت خود غالب آید، همچنان در ضمیر ناخود آگاه او مخفی میماند و اگر غالب نیاید، همچون منبع سوزان آتش فشانی، سرانجام دهان باز میکند و محیط خود را به تباهی و ویرانی می‌کشاند.

اینجاست که بخوبی می‌توان به نقش «رشد» در سرنوشت افراد و جامعه، پی برد.

رشد، یعنی رسیدن به حدی است که بتوان مسائل اجتماعی و امور زندگی و خیر و شر را تشخیص داد. در اصطلاح دینی، رشد عبارت است از **سلوک راه راست**، یعنی صلاح راه دین و صلاح مال (لغتنامه دهخدا ماده رشد)

شخصیت‌های رشد یافته هستند که مسیرشان را در زندگی، مطابق موازین دینی و اخلاقی و انسانی ترسیم کرده، کمتر دچار انحراف می‌شوند. قرآن مجید هدف و برنامه اش هدایت به رشد است (۱). هر گونه انحراف فردی و اجتماعی که در جهان مشاهده شود، در نتیجه عدم رشد است. متأسفانه رشد نیافته‌ها همیشه اکثریت داشته‌اند. علی (ع) سپاهی را برای جنگ با سرکشان شامی مأمور کرده بود. آنها به حضرتش گفتند: اگر تو با ما حرکت کنی ما هم حرکت میکنیم!

۱ — انا سمعنا قرآنا عجایبهدی الی الرشد فآمنابه (سورۀ جن آیه ۱ و ۲) ما قرآنی شگفت شنودیم که به رشد هدایت میکند. از اینرو به آن ایمان آوردیم.

۲ — ما بالکم لاسدتم لرشد ولاهدیتم لقصده؟ افی مثل هذا ینبغی لی ان اخرج؟ انما یخرج فی مثل هذا رجل ممن ارضاه من شجعانکم وذوی باسکم ولا ینبغی لی ان ادع الجند و المصرویت المال و جباية الارض و القضاء بین المسلمین و التظرفی حقوق المطالبین ... (نهج البلاغه فیض ص ۳۵۹)

برای رشد کودک فراهم میگردد .

مدرسه

محیط مدرسه ، علاوه بر اینکه به شخصیت طفل ارزش میدهد و روی شخصیت او حساب می کند ، باید زمینه را برای پرورش استعداد های او فراهم گرداند و مخصوصاً باید علاقه او را به امر یادگیری و کسب کمال برانگیزد .

هرگاه معلم نمونه ای از رشد و کمال باشد ، مخصوصاً در دوره دبستان ، بر روی شخصیت طفل تأثیر فوق العاده دارد و در ترسیم صحیح مسیر آینده او سهم است .

محیط :

الگو هایی که در زندگی جامعه ، مورد توجه عامه است ، از امری است که اگر مطلوب باشند ، شخصیت کودک را مجال میدهند که بهتر رشد کند .

اما « اگر در جوامعی بین فلسفه زندگی و آرمان های اجتماعی که بر زبان می آید ؛ با آنچه که عملی می شود ، تفاوت بسیار باشد ؛ افراد دچار تعارض روانی می شوند و اثر شوم آن در شخصیت کودکان نیز ظاهر میگردد » (۴)

در همان گفتار بر مغز و جامع پیامبر علیقدر اسلام ، با جمله « احسنوا آدابکم » همه وظائفی که متوجه خانواده و مدرسه و محیط است ، نهفته است و هیچ چیز فروگذار نشده و بنا بر این ما را از بررسی بیشتر در منابع اسلامی بی نیازی کند .

را در سیاست ملل منعکس می کند »

(راه و رسم زندگی ص ۱۰)

عواملی که در رشد صحیح و کامل کودک، مؤثرند پاره ای مربوط ب مدرسه و پاره ای مربوط بمحیط زندگی هستند، که بطور اختصار به آنها اشاره میکنیم .

خانواده

پدر و مادر باید کودک را بعنوان عضو ارزنده خانواده قبول کنند و از نا سازگاری - مخصوصاً در حضور وی - پرهیزند و در حدودی که به آسایش دیگران و سعادت او لطمه وارد نشود ، به وی آزادی دهند. در عین حال، تنها بفرسیر کردن شکم و پوشاندن تن او نباشند . بلکه در تعیین مسیر صحیح زندگی او را یاری دهند و راهنما باشند .

پیامبر گرامی اسلام فرمود :

« اگر ما اولادکم و احسنوا آدابکم » (۱)

فرزندان خود را گرامی بدارید و آداب و راه و رسم زندگی خانوادگی و اجتماعی خود را اصلاح کنید . مسلماً رهبر بزرگوار اسلام در ضمن این سخن کوتاه خود ؛ نظر اصلاحی و تربیتی دارد و میخواهد پدر و مادران و جامعه را متوجه وظیفه حساسی کند که در رشد و تکامل شخصیت کودک تأثیر فراوان دارد .

اگر پدر و مادر از روابط سالم بهره مند باشند و وضع مالی ایشان دشوار و غیر قابل تحمل نباشد و از مقبولیت اجتماعی برخوردار باشند ، زمینه سالم

۱ - بحار الانوار قدیم ج ۲۳ ص ۱۱

۲ - روانشناسی رشد و پرورش کودک ج ۲ ص ۹۰